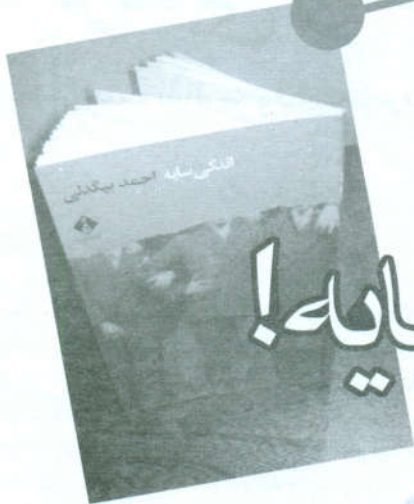


... و اکنون اندکی سایه!



به عنوان برگزیده جشنواره «کتاب سال» معرفی شده است. قطع کتاب رقی است و ۱۲۶ صفحه دارد و برای خرید آن می‌بایست ۲۰۰۰ تومان پرداخت کرد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «ایستاده بودم زیر داغی آفتاب - میان باد - که پیرمرد مچ دستم را گرفت و مرا با خودش کشاند روی بلندی تپه خاکسار. آنوقت شروع کردم به دویدن. هر دو می‌دویدیم و صدای تفنگ‌ها را پشت سر می‌گذاشتیم. مچ دستم رها شد، برگشتم و نگاه کردم. پیرمرد نبود. با من نمی‌آمد و کلاه شاپویش را باد می‌غلطاند روی قبرها. ایستادم و کلاه را از چنگ باد درآوردم. سوراخ شده بود. از طرفی به طرف دیگر.»

باشد. داستان در کل از زبان دکتر ایرج و دوستش است. اما گاهی به راوی کل تغییر پیدا می‌یابد. همچنین زمان در طول داستان متغیر است و به دلیل روایت خاطره، با یادآوری هر کدام از آن‌ها زمان از حال به گذشته تغییر می‌کند. نکته‌ای که نباید از آن غافل بود، پیچیدگی داستان و شخصیت‌های آن است و این امر از سؤال بسیاری که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود پیداست. هرچند در پایان به بسیاری از این سؤالات پاسخ داده می‌شود اما در کل نمی‌توان این پیچیدگی را نادیده گرفت. انتشارات «خجسته» برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ «اندکی سایه» را منتشر کرده است و نکته مهم درباره کتاب این است که در سال ۱۳۸۵

«حوصلهات را سر برده‌ام؟ می‌دانم. داستان است دیگر، برای سرگرمی که نمی‌خوانی؟ می‌دانی باید مثل دیوار خشت به خشت چیده بشود؛ با شاقول و تراز، بدون هیچ خطایی. آن وقت سایه‌گیر می‌شود و مطمئن. می‌توان به آن تکیه داد. می‌توان صندلی تاشو آورد و در خنکای دلپذیر آن نشست و اندکی سایه را دوباره خواند.» «اندکی سایه» ما را سوار فیات قرمز رنگی می‌کند که مسیر حرکتش به ظاهر از خوزستان تا اصفهان است، اما در اصل سفری دارد به تاریخ و وقایع سال ۱۳۳۲. داستان به صورت کلی سفر دکتر ایرج به همراه دوست و هم‌بازی دوران کودکی‌اش و فردی به عنوان واقعی می‌باشد و وقتی ایرج و هم‌بازی‌اش خاطرات ده سالگی خود را مرور می‌کنند، به نوعی داستان اصلی را هم برای واقعی و هم برای خواننده شرح می‌دهند. داستانی سراسر پر از اتفاقات خاص و نوستالژیک که در شهر نفت‌خیز آغاچری اتفاق افتاده است و هادی (هم‌بازی دیگر این دو) شخصیت محوری آن را تشکیل می‌دهد و زندگی او خواننده را با خود همراه می‌کند.

«احمد بیگدلی» خود در استان خوزستان متولد شده است و حال در استان اصفهان زندگی می‌کند و این داستان به نوعی می‌تواند بیانی از زندگی شخصی نویسنده‌اش باشد.

«اندکی سایه» شامل ۱۴ فصل

می‌شود و زبان نوشتاری آن از درون‌مایه‌های ادبی برخوردار است و ساختار بسیار مستحکمی دارد. تصاویر نقش پررنگی در داستان دارند به خوبی برای مخاطب به نمایش درمی‌آیند؛ البته با توجه به این که بیگدلی یک فیلم‌نامه‌نویس است، این کتاب را هم به گونه‌ای نوشته است که قابلیت فیلم‌نامه شدن داشته

